



## خلاصی از کمد درهم و برهم

مرجان دهقان | روزنامه نگار



رفقا سلام!

این روزها به واژه تازه به دایره لغات مون اضافه شده؛ بهداشت تنفسی. یعنی چی؟ یعنی همون کاری که شما انجام میدین؛ موقع عطسه و سرفه دهن تون رو با آرنج می پوشونین و دستمال کاغذی مصرف شده رو فوراً توی سطل زباله می اندازین. بزشک‌ها می‌گن رعایت بهداشت تنفسی، نه فقط در زمان شیوع ویروس کرونا که همیشه لازمه و می‌تونه از ما در برابر دیگر ویروس‌ها مثل سرماخوردگی و آنفلوآنزا محافظت کنه.

شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۹  
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰

کمد، مخفیگاه شلخته‌هاست. از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را چپانده‌اند آن تو تا مبدا مجبور به جمع‌وجور کردنشان شوند. باز کردن در کمد، یعنی آوار شدن یک خروار وسیله که به این راحتی‌ها نمی‌شود بین‌شان پاچه‌شلوار را از آستین لباس تشخیص داد. شاید هم نه به این شوری اما بالاخره باید فکری به حال کمد آشفته‌تان بکنید. بیایید از خالی کردن وسایل داخل کمد شروع کنیم. اگر کمدتان خیلی وقت است که رنگ‌تمیزی را ندیده، جارو و گردگیری هم لازم دارد. موقع خالی کردن کمد، چوب‌لباسی‌ها، لباس‌ها و لوازم متفرقه را به تفکیک روی زمین بچینید. بعد از بین آن‌ها وسایل بدون استفاده را کنار بگذارید. دور انداختن یا جمع کردن وسیله‌های غیر ضروری، نظم‌دهی به کمد را راحت‌تر می‌کند. حالا نوبت دسته‌بندی لباس‌هاست. لباس‌های خنک و گرم را از هم جدا کنید. آن‌هایی را که مناسب فصل هستند، به چوب‌لباسی آویزان و بقیه را در یک چمدان یا جعبه جمع کنید تا در فصل خودش بیرون بیاورید. با این کار از شلوغ شدن بی‌دلیل کمد، جلوگیری می‌کنید. لباس‌هایی را که کمتر استفاده می‌کنید، ته کمد و پرکاربردترها را جلوی آن‌ها آویزان کنید. چوب‌لباسی‌ها را با بیشتر از یک دست لباس پر نکنید تا لباس‌ها لای هم نگن نشوند. وسایل خرده‌ریز مثل جوراب، همیشه مخل نظم کمد هستند. بهتر است برای‌شان سبدی در نظر بگیرید تا پخش‌وپلا نشوند. می‌توانید جعبه‌های دورریختنی را تزئین کنید و کف کمد بچینید. با این کار هم بین کار تفریحی کرده‌اید، هم هر وسیله فضای مخصوص خودش را دارد که مانع به هم ریختن کمد می‌شود.

### پرونده‌های مجهول

## افسانه خانه شماره ۵۰ در لندن

قصه خانه‌ای که ادعای می‌شود بیش از ۲۰۰ سال است موجود مرموز و ناشناخته‌ای در آن، جا خوش کرده است

فاطمه قاسمی | مترجم



باید پذیریم با وجود انکار عده‌ای، بیشتر مردم از وجود خانه‌های تسخیر شده و داستان‌های عجیب و ترسناکی که درباره‌شان گفته می‌شود، با روی باز استقبال می‌کنند. هرچه داستان‌های پشت این خانه‌ها و هم‌اگر تر باشد، میل به باز دیدن آن‌ها بیشتر است. یکی از این مکان‌های اسرارآمیز که گویا سال‌ها قبل اتفاقات غیرقابل باوری در آن رخ داده است، ساختمان ز بیای شماره ۵۰ در یکی از میدان‌های مشهور لندن است. این بنا را ز‌های نهفته در دلش دارد که هنوز دلیل موثقی برای‌شان پیدا نشده است.

### روایت شماره ۱: دانشجوی کنجکاو

سال ۱۸۴۰ است و خبرهای عجیب این خانه و موجود مرموزی که در آن زندگی می‌کند، به گوش «روبرت واروبوس»، دانشجوی ۲۰ ساله می‌رسد. یک روز که روبرت با دوستانش در حال قدم‌زدن در اطراف این خانه هستند، آن‌ها شجاعت روبرت را به چالش می‌کشند و از او می‌خواهند برای نشان دادن دل و جرئت یک شب را به تنهایی در طبقه دوم این ساختمان سپری کند. روبرت هم برای این که در برابر دوستانش کم‌نیاز و از صاحبخانه خواهش می‌کند که این اجازه را به او بدهد. صاحبخانه که مرد است، دوش‌ط‌تعیین می‌کند؛ یکی این که روبرت

با خودش اسلحه حمل کند و دوم این که به محض دیدن چیزی غیر معمول از طریق زنگی در اتاق، او را خبر کند. روبرت شرط‌ها را می‌پذیرد. چیزی از نیمه‌شب نگذشته که صاحبخانه از صدای زنگ و شکستگی در طبقات بالا خودش را به روبرت می‌رساند و او را در گوشه‌ای از اتاق پیدای کند در حالی که از ترس می‌لرزد و زبانش بند آمده است.

### روایت شماره ۲: دریا نور دان شجاع

۵۰ سال بعد از ماجرای روبرت، دو دریانورد در نزدیکی لندن پهلومی گیرند تا کمی استراحت کنند. «رابرت مارتین» و «ادوارد بلاندن» از روی کنجکاو، خانه اسرارآمیز شماره ۵۰ را که آن‌ها زمان تقریباً متروکه شده بود، برای ماندن انتخاب می‌کنند. وقتی به طبقه دوم می‌روند، چیز عجیب و غیرقابل توصیفی حس می‌کنند اما اهمیتی نمی‌دهند و به خواب می‌روند. ساعتی از نیمه‌شب نگذشته که با صدای وحشتناک پشت در از خواب

### بالتازار

## چرا پشه‌ها به خون انسان علاقه دارند؟

مریم ملی | روزنامه نگار



بیشتر وقت‌ها نمی‌فهمی وقتی بیداری و گوشه‌ای نشست‌ای، چطور آمده سراغت و نیشش را زده و رفته که اصلاً متوجهش نشده‌ای. تا حالا فکر کرده‌اید که اصلاً چرا پشه‌ها این قدر از خون انسان خوش‌شان می‌آید؟ این سوال مدت‌ها در ذهن دانشمندان بوده و حالا بعد از کلی تحقیق و آزمایش پاسخش را پیدا کرده‌اند. آن‌ها برای این که بفهمند دلیل علاقه فراوان پشه‌ها به خون انسان چیست، مواد مختلفی را جایگزین خون کردند تا ببینند آیا پشه‌ها باز هم به همان اندازه، مشتاق مکیدن آن هستند یا نه. مثلاً تر کیبات شیرینی مثل نکتار میوه‌ها و تر کیباتی را که حاوی بعضی از مواد تشکیل دهنده خون انسان بود، آزمایش کردند و لی پشه‌ها بعد از مزه‌مزه کردن آن‌ها بی‌خیالش می‌شدند و اشتیاقی را که به خون انسان داشتند، به مواد دیگر نشان

### دیدنی



می‌پرند. در حالت خواب آلودگی و در تاریکی متوجه خیزدن موجودی روی زمین می‌شوند. بلاندن فوراً به سمت اسلحه‌اش می‌رود که در همین هنگام، موجودی به او حمله می‌کند. مارتین موفق می‌شود از خانه فرار و پلیس را خبر کند. موقع برگشت به خانه جسد بلاندن با صورت وحشت‌زده در گوشه‌ای از اتاق افتاده بود. مارتین هیچ‌گاه نتوانست آن موجود را آن‌طور که باید توصیف کند چون پیش از آن حتی در دل اقیانوس هم چنین چیزی ندیده بود. او گفت این موجود شکلی نافرمان‌شویه یک مایع چسبناک داشته که با صدای عجیب‌اش آن‌ها را می‌ترسانده است، چیزی شبیه هشت‌پا!

### واقعییت چه می‌تواند باشد؟

این دوروایت، مشهورترین ماجراهایی است که درباره این خانه نقل شده که در عین واقعی بودن شبیه فیلم‌های تخیلی است. برخی از مردم معتقدند که موجود ناشناخته خانه ۵۰، احتمالاً یک هشت‌پا بوده که از طریق رودخانه «تیمز» وارد کانال زیرزمینی لندن شده، به زندگی خارج از دریا راه یافته و در این خانه ماندگار شده است. عده‌ای هم این خانه را تسخیر شده توسط روحی می‌دانند که سال‌ها قبل در آن زندگی می‌کرده است و نمی‌خواهد کسی را به سکونتگاهش راه دهد. شاید هم کل قضیه ترغیب‌فند صاحبان ملک برای بر سر زبان انداختن آن باشد. هر چه هست هنوز هیچ توضیح دقیقی از این موجود ارائه نشده است. با این حال در بسیاری از موارد ذهن ماتحت تأثیر فیلم‌های ژانر وحشت به داستان پردازی‌های غیرقابل باور درباره این افسانه‌ها دامن زده است به خصوص انگلیسی‌ها که به شدت خرافه‌پرست هستند. باور این داستان به شمایستگی دارد.



## نزدیک‌ترین برخوردی که با سلبریتی‌ها داشتی؟

خودم: به دفعه صف نونوایی، پسر عموی پرویز پرستویی دو نفر جلوتر از من ایستاده بود.

### خودت بساز

## آسمون‌تو ابری کن

مهسا فارسی | روزنامه نگار



بعید نیست در این روزها که آدم یک‌سره خانه‌نشین شده و از بیرون باخبر نیست، به سرش بزند که حال و هوای خانه را تغییر بدهد و هر چه بیشتر از عناصر طبیعت برای تزئین خانه استفاده کند. این هفته قرار است ابر بسازیم! خیلی با‌مزه است، پیشنهاد می‌کنم حتماً امتحانش کنید و چند تایی برای اتاق‌تان در نظر بگیرید. چیزهایی که لازم دارید، دور از دسترس نیستند. اشیایی قابل باز یافت و شاید هم دورریختنی و ساده.



### همه آن چه نیاز دارید:

الیاف مصنوعی، چسب مایع، بطری خالی پلاستیکی، نخ نامرئی، قیچی



بطری پلاستیکی که قطعاً همه جاپیدای می‌شود، می‌ماند مقدار ی الیاف مصنوعی که در بازار به آن «لایکو» هم می‌گویند. الیاف، درون بالشت‌ها و کوسن‌ها به وفور پیدا می‌شوند منتها برای اجرای این ایده لازم است الیاف سفید و پُف‌اش بر اثر گذر زمان نخوابیده باشد. خرازی‌ها معمولاً از این دست الیاف دارند و می‌توانید از آن جاتهبه کنید. همان‌طور که در تصویر مشخص است، نخ نامرئی را به مقدار کافی برش بزنید و دور تا دور بطری بیچانید و گره محکمی بزنید. طول نخ را با توجه به ارتفاعی که قرار است آویزان کنید، در نظر بگیرید. حالا دور تا دور بطری را با چسب مایع پر کنید. الیاف را منظم و با سلیقه روی بطری قرار دهید و صبر کنید تا چسب به خوبی خشک شود. حالا بر شما آماده است. می‌توانید آن‌ها را در اندازه‌های متفاوت و از ارتفاع‌های نامنظم آویزان کنید و از دیدن آسمان باحالی که ساخته‌اید، لذت ببرید. چطور بود؟

### آثار شما

## زیباترین موسیقی

الناز سیاح | ۱۷ ساله



ذهن خیلی مشغول بود. مدام به چیزهای پوچ و بیهوده فکر می‌کردم. راهی برای فرار نداشتم. ناگهان صدایی گوش‌نواز و آرام‌بخش تمام افکارم را برهم زد. پنجره اتاقم را باز کردم. دیدن مسجد روح و روانم را نوازش کرد و آرامش مهمان خانه دلم شد. آن صدا تنها اذان نبود، صدای خداوند بود که همه آدم‌ها را از خوب و بد، پیر و جوان به خانه خود دعوت می‌کرد. صدای اذان مرا به سوی خداوند کشاند و غرق لذت شدم. به بزرگی‌اش فکر کردم و غرق آرامش شدم. به این فکر کردم که خدا چه بی‌منت آیات و سخنانش را به همه مخلوقاتش می‌گوید و همچنین به تمامی کسانی که خود را از این نعمت بزرگ و بی‌دریغ محروم می‌کنند. صدای گوش‌نواز اذان به گوش من، برترین صدا در تمام جهان هستی است. کافی است دلت با خداوند باشد تا این صدا برایت از هر موسیقی شنیدنی‌تر باشد. اذان آغازکننده زندگی انسان‌هاست و آن چه این صدای دلنشین را کامل می‌کند، نماز است. خدای من آن قدر خواندی در گوشم اذان عشق که فراموش کردم واژه تنهایی را؛ در محراب دلدادگی فراموش کردم راز تنهایی را!

## چیزهایی که نمی‌دونی!



طبق قانون کشور سوئیس، حیوانات اجتماعی مثل خوکچه هندی حتماً باید یک رفیق داشته باشند. اگر کسی صاحب یک خوکچه هندی تنها باشد، کارش حیوان‌آزاری محسوب می‌شود و غیر قانونی است.



در روستای پپیلاتری هندوستان وقتی دختری به دنیا می‌آید، ساکنان روستا دور هم جمع می‌شوند و به افتخار نوزاد تازه متولد شده ۱۱۱ درخت می‌کارند.



جغدها مارهای کوچک را به عنوان حیوان خانگی نگه می‌دارند.



مریخ‌نور داسا هر سال در پنجم آگوست سالگرد رسیدنش به مریخ را جشن می‌گیرد و برای خودش آواز «تولد مبارک» پخش می‌کند. یک جشن تولد یک نفره!